

## تفتیش عقاید، از جنگ های صلیبی تا مدارس استان مازندران

### رضا وضعی

چندی پیش در تاریخ ۲۲ آبان ماه دفتر حراست آموزش و پرورش استان مازندران، بخشنامه محرمانه ای را برای تمامی مدارس شهرها و روستاها ارسال و آنها را موظف به معرفی دانش آموزان غیر مسلمان کرده است. که البته مسئولین پاسخگو نبوده و بخشنامه برای مدیران مدارس ارسال گردیده است. در این نوشتار سعی دارم به تفتیش عقاید در جمهوری اسلامی نگاهی داشته باشم، هرچند که اتفاق تازه ای نیست، اما مسئولان نظام طی نزدیک به چهار دهه همچنان خواهان ادامه آن هستند؛ که به این شکل از مدیران مدارس خواهان معرفی دانش آموزان غیر شیعی بوده اند. گویا تفتیش عقاید سازمانیافته قرار نیست دست از سر جوانان و نوجوانان بردارد.

اصل بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مینویسد: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمیتوان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد و اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۱۸ مینویسد: هر انسانی محق به داشتن آزادی اندیشه، وجدان و دین است؛ این حق شامل آزادی دگراندیشی، تغییر مذهب، آزادی علنی و آشکار کردن آئین و ابراز عقیده، چه به صورت تنها، چه به صورت جمعی یا به اتفاق دیگران، در قالب آموزش، اجرای مناسک، عبادت و دیده بانی آن در محیط عمومی و یا خصوصی است.

حال میخواهم نگاهی تاریخی به موضوع تفتیش عقاید ببینم تا متوجه باشیم که تفتیش عقاید به چه دورانی در تاریخ برمیگردد، که امروز جمهوری اسلامی در قرن بیست و یکم و بعد از چهار دهه حکومت همچنان به آن میپردازد و برایش حائز اهمیت است؛ طوری که این تفتیش عقاید را تا مدارس دوره های ابتدایی هم پیشبرده و احتمال می‌رود با ادامه این روند به خانه تک تک ما ایرانیان ورود کند.

یکی از موثرترین دلایل شکل گیری دادگاه های تفتیش عقاید، کارکرد و عمل رهبران مذهبی در دوران جنگ های صلیبی بود. چرا که در پی این جنگ ها حقانیت کلیساها به زیر سوال رفت. هرچند که رهبران مذهبی میکوشیدند شکست در جنگ را مشیت الهی بنامند و گرفتاری های بد از جنگ را مهربانی خداوند برای پاک شدن از گناهان، اما در بین توده های مردم آلمان جریان مخالف در حال شکلگیری بود. دین گریزی دامان مردم اروپا را گرفته بود و از سوی دیگر با بوجود آمدن مذاهب و ادیان دیگر، که راه رسیدن به خداوند را تنها کلیسا نمیدانستند تولد پیدا کردند. این یک معنی بیشتر نداشت و آن هم در خطر افتادن جایگاه کلیسا و رهبران مذهبی در دل توده ها. در پی این اتفاق ها و ناتوانی مذهبیین در توجیه حقانیت خود، مجبور به استفاده از زور شدند. بنابراین پس از اولین جنگ صلیبی و در سال ۱۱۸۴ میلادی اولین دادگاه تفتیش عقاید شکل گرفت. سنگ بنایی نفرت انگیز و خودخواهانه.

در ادامه این شکل از دادگاه ها که در آن زمان روشی تازه و نو بحساب می آمد، به تمام اروپا گسترش یافت، که هرکدام برای خود کارکرد متفاوتی به نسبت شرایط داشتند. اما ماهیت و ساختار آنها یک هدف را دنبال میکرد و آنهم تشخیص مرتد، کافر و دیندار بود. البته بعد از شکل گیری چنین دادگاهی نوعی دستگاه جاسوسی هم به آن اضافه شد، تا وظیفه خبر رسانی (امروز در ایران نقش این دستگاه جاسوسی را مدارس بازی میکنند) به دادگاه را داشته باشد. وظیفه این دادگاه ها در مرحله اول توبه گرفتن از آنها به طریق شکنجه بود (مذهبیین آلمان بر این باور بودند که شکنجه باعث میشود روح انسان از بدی ها پاک شود) و در غیر این صورت صدور احکام دینی و شرعی که بیشتر آنها در نهایت محکوم به مرگ میشدند. فکر میکنم با خواندن این مطالب یاد فرقه اسلامی حاکم بر ایران بیافتید، اما در نظر بگیرید که اولین دادگاه تفتیش عقاید در سال ۱۱۸۴ یعنی ۸۳۳ سال پیش برگزار و تا اواسط قرن نوزده میلادی در اروپا ادامه داشت.

و اما در ایران در سال های جنگ تحمیلی که به گفته مسئولان وقت ایران، جنگ بین مومنین و کفار نام گرفته بود و طرف ایرانی در سال های اولیه مانند صلیبیون پیروزی های متعددی را تجربه کرده بودند؛ اما با ادامه دار شدن جنگ و به حقیقت نپیوستن وعده های رهبر ایران مانند راه قدس از کربلا میگذرد - باز مشابه رهبران مسیحی، تصویر جنگ در

افکار عموم تغییر کرد که در نهایت طرف ایرانی مجبور به پذیرفتن پیمان صلح شد. شکستی که تا به امروز حکمرانان ایران سعی در توجیه آن دارند.

از طرفی دیگر در ایران بعد از جنگ و با بروز آشکار خطاهای سیاسی حکومتداران ایران، شاهد موج گسترده ای از دین‌گریزی بین توده‌های مردم بودیم؛ که همراه آن با شکل‌گیری اتاق‌های روشنفکری و افزایش مخالفان حکومت ایران، رهبران تهدیدی جدی را حس کردند. که اگر به پارگراف‌های بالاتر مراجعه کنید متوجه میشوید که وضعیتی بسیار مشابه با آنچه که در اروپای غرق در جنگ و تشکیل دادگاه‌های مختلف بسیار تشابه دارد. به همین دلیل بود که جمهوری اسلامی به شکل دهی چنین دادگاه‌هایی به منظور تفتیش عقاید رو آورد.

اما فرق عمده ای که میتوان بین برگزاری دادگاه‌های تفتیش عقاید در اروپا و امروز در ایران بیان کرد، گستردگی اتهامات است که امروز رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته. چرا که حکومت ایران یک حکومت الهی است و مخالفت و مبارزه با آن به معنی مخالفت با الله قلمداد میشود و اتهاماتی تحت عنوان ضدیت با اسلام، سب‌النبی، توهین به مقدسات و ... که در نهایت منجر به حکم قرون وسطایی اعدام بر پیشانی محکوم میشود. در اینباره صفار هرندی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی در مصاحبه ای با خبرگزاری فارس در سال ۹۵ می‌گوید: «حمایت باید حمایت هدفمند باشد به طور مثال نمیشود از تولیداتی که بر ضد مصالح نظام دینی و اسلامی ما باشد حمایت کرد». تناقض از این آشکارتر؟ با این حساب که عدم حمایت از تولیدات فرهنگی «که ضد مصالح نظام دینی و اسلامی باشد»، کاملاً به شکلی که وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گوید نیست و متأسفانه تنها به امتناع قدرت حاکم از حمایت جریانه‌های فکری «مخالف دین» خلاصه نمی‌شود بلکه همراه است با انواع و اقسام تهدیدات و مجازات‌ها تا اغراق‌آمیزترین آنها یعنی «حکم ارتداد».

نتیجه: بدین ترتیب شاهد هستیم که چطور دفتر حراست آموزش و پرورش استان مازندران سعی در جلوگیری از تولیداتی دارد که بر ضد نظام دینی و اسلامی است. بنابراین با توجه به دو فاکت ذکر شده، عمل صورت گرفته از سوی حراست آموزش و پرورش استان مازندران و صحبت‌هایی که آقای صفار هرندی بیان کردند از اینکه نمیشود از تولیداتی که به نظام دینی و اسلام ضربه می‌زند حمایت کرد؛ متوجه آن میشویم که حق انتخاب برای انسان‌ها در ایران وجود ندارد و نمی‌توانند حتی چگونگی ستایش خداوندشان را خودشان انتخاب کنند بلکه از اول زندگی و در مدارس حتی، این راه به آن‌ها تحمیل شده و باید در این راه بمانند در غیر این صورت با آن‌ها برخورد می‌شود. حکومت اسلامی ایران متوجه یک نکته حائز اهمیت نیست، که مردم میتوانند کمک بزرگی را به دولت بکنند. زمانی که در ابراز عقاید آزاد باشند، ادارات و مسئولین دیگر نمیتوانند تا این حد ظلم و فساد به جامعه تزریق کنند و مردم به عنوان چماق بالاسر عمل میکنند و جلو آنها را میگیرند. اما حکومت اسلامی با سانسور، تفتیش عقاید، خفقان و سرکوب و ... حتی در مکانی که یک کودک شکل میگیرد یعنی مدرسه، اجازه ابراز عقاید را نمیدهد و هر روزه شاهد دستگیری و حکم‌های غیر انسانی برای دگراندیشان هستیم، که آخرین آن بخشنامه حراست آموزش و پرورش استان مازندران بود که دیدیم چطور سعی در سرکوب دانش‌آموزان غیر شیعی برآمده اند. با توجه به تمامی این مشکلات و خشونت‌های جامعه تنها راهی را که می‌توان به پایان این خشونت‌ها کمک کند آگاهی‌رسانی و آشنا کردن عموم مردم و جوانان با این رخدادها و بیدار شدن مردم جامعه می‌دانم تا جامعه مدنی بتواند از حق خود دفاع کند، زیرا قبل از هر چیز باید بدانیم که حکومتی دیکتاتوری همانند ایران بر روی پایه‌هایی استوار شده است که شامل خود مردم ایران می‌باشند. لذا وقتی مردم به برخورد با ناهنجاری‌ها، خشونت‌ها و سرکوب‌های دولت به پا خیزند دولت در نهایت مجبور به تسلیم شدن می‌باشد.

(به نام خدا)

انجمن هیئت مدیره کانون آموختن و پژوهش کتابخانه مرکزی  
کتابخانه آموختن و پژوهش شهرستان

شماره: ۱۳۳۰  
تاریخ: ۱۳۹۰.۸.۲۲  
پوینت: اصلیات

**سال هفتم دولتی، تولید - ارسال**

به: **مدارسی شهر و روستا**  
موضوع: **ارسال آثار فنی و هنری و مطالب**  
با سلام و احترام.

انجمن به پیشنهاد اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و برپایه آشنایی کارکنان کانون آموختن و پژوهش کتابخانه مرکزی به آثار فنی و هنری و مطالب، آثار مربوطه به افراد دا  
و مدارسی خارج از شهرستان زیر با رعایت کیفیت محتوا و محتوا از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۱ در تاریخ ۱۳۹۰.۸.۲۲ بصورت مستقیمه انجمن  
و اینجانب فرهنگ و ارشاد اسلامی، مسئولیت اعلام پاسخ به پیشنهادها بعد از موافقت مدیر مدرسه می باشد.

ردیف	نوع و موضوع	تعداد	ردیف	نوع و موضوع	تعداد
۱	کتاب	۹	۱۰	استادنامه	
۲	ویدئو	۱۰	۱۱	مجموعه	
۳	تصویر	۱۱	۱۲	مکتب قرآن	
۴	نویسه	۱۲	۱۳	مرفان عالی کتاب	
۵	مسیحیت	۱۳	۱۴	شهبان برسانی	
۶	گرافیک	۱۴		فنی و ادبیان نو ظهور	
۷	فوتوگرافی				

در صورت وجود هر یک از موارد فوق - مشخصات دانش آموز شامل نام و نام خانوادگی، نام پدر، شماره شناسنامه،  
پایه تحصیلی، محل تولد) به پوینت - تنظیم و ارسال گردد.  
در صورت عدم وجود موارد فوق نیز پاسخ به این پیشنهادها ضروری است.

**www.kayb.com**

مدیر انجمن هیئت مدیره کانون آموختن و پژوهش کتابخانه مرکزی

+++++

برچیده تبرستان از اخبار روز، آدینه 1-12-2017 / 9-10-1396

<http://www.akhbar-rooz.com/news.jsp?essayId=83391>